

الگوی حکمرانی رهبری؛ تحلیل محتوای سخنرانی‌های نوروزی در دو دوره اول ریاست جمهوری سال‌های ۱۳۸۴ و ۱۳۹۲

تاریخ دریافت: ۹۸/۱۱/۰۷

تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۳/۱۶

محمد لعل علیزاده^۱

اعظم مقدس^۲

عابد میرزاخانی سیاهکلودی^۳

چکیده

الگوی حکمرانی ولایت فقیه متأثر از الگو و تفکر اسلامی و در امتداد جهان‌بینی اسلامی است. این الگو قالب و محتوای یکسان اما اولویت‌بندی متفاوت با توجه به مقتضیات را دارد. با این مفروض، شناخت الگوی حکمرانی مقام معظم رهبری با بررسی بیانات نوروزی ایشان در دو دوره اول ریاست جمهوری سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۴۰۰ هدف این مکتوب است. چند موضوع از سخنان رهبر انتخاب شده تا در دو دوره ذکر شده مورد بررسی قرار گیرد. برای رسیدن به این هدف، تعداد دفعاتی که رهبری در تمام سخنرانی‌های نوروزی در این هشت سال، باتوجه به موضوعات انتخاب شده بر آن تأکید داشته‌اند را برشمرده و هرکدام را نسبت به سال مورد نظر دسته‌بندی نموده و در آخر، به صورت مجموع مورد استفاده قرار گرفته‌اند. بررسی موصوف با روش تحلیل محتوا، حاکی از آن است که در هر دوره موضوعات اصلی یکی بوده اما در جزئیات، اهمیت محورها متفاوت بوده است. براساس یافته‌ها، با وجود تأکید بر محورهای یکسان، اولویت موضوعات در دو دوره یادشده متفاوت است؛ شباهت‌ها و تفاوت‌های اساسی در اولویت‌بندی موضوعات ازسوی رهبری مشاهده می‌گردد که این خود نشان دهنده این است که رهبری با توجه به وظیفه خویش در قانون اساسی و در راستای تعیین سیاست‌های کلی نظام، با توجه به مصالح و مقتضیات جامعه، موضع‌گیری حمایتی و انتقادی متفاوتی را در قبال سیاست دولت‌ها، اتخاذ می‌کنند. به‌همین دلیل است که اولویت‌ها در موضوعات مطرح شده برای دولت‌های مذکور متفاوت است. بنابراین، الگوی یکسان، عام و کلی متأثر از جهان‌بینی اسلامی، با توجه به شرایط و مقتضیات، تفاوت اولویت‌ها را به همراه داشته است.

واژگان کلیدی: حکمرانی، رهبری، سیاست‌های کلی نظام، احمدی‌نژاد، روحانی، تحلیل محتوا.

۱. استادیار گروه علوم سیاسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران: M_lalalizadeh@yahoo.com

۲. استادیار گروه علوم سیاسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران؛ a_moghadass@yahoo.com

۳. دانش آموخته کارشناسی ارشد دانشگاه پیام نور (نویسنده مسئول)؛ abedmerzakany@gmail.com

مقدمه و بیان مسئله

در اندیشه سیاسی اسلام، مسئله رهبری رکن اصلی اداره حکومت و حکمرانی و در رأس هرم قدرت و سیاست قرار دارد. ولایت و رهبری در جهان‌بینی اسلامی نیز از جایگاه و نقش ویژه‌ای برخوردار است. در اصل ۲ قانون اساسی، درباره استمرار امامت آمده است: «جمهوری اسلامی نظامی است بر پایه ایمان به امامت و رهبری مستمر و نقش اساسی آن در تداوم انقلاب اسلام» که این رهبری مستمر در چارچوب ولایت فقیه تحقق پیدا می‌کند. در عصر حاضر و در تداوم اندیشه اسلامی، جهان‌بینی اسلامی و براساس مبانی فقهی شیعه و مبانی حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، ابتدا با امام خمینی، ولی فقیه به‌عنوان حکمران و حاکم اسلامی معرفی گردید. مقام معظم رهبری در امتداد این تفکر با استفاده از اصول و اندیشه اسلامی و مفاهیم صدر اسلام در مسائل سیاسی ورود می‌کنند. از این دید، الگوهای اصلی صدر اسلام در طول تاریخ تکرار می‌شوند و باید این الگوها را با توجه به اتفاقات و مقتضیات، که در تاریخ اسلام رخ داده‌اند، برای مسائل روز به‌کار گرفت. الگوی حکمرانی رهبری با این نگاه فرایندی متأثر از جهان‌بینی اسلامی با سیاست‌گذاری و تدبیر کلان، مفهوم‌سازی و گفتمان‌سازی (شفیعی؛ برزگر؛ مرادزاده، ۱۳۹۵: ۱۹-۲۰)، جامعه اسلامی را هدایت و مدیریت کرده‌اند. سیاست‌های کلی نظام حاوی چارچوب و مبنای جهت‌گیری کلی کشور در همه عرصه‌های حکومتی است که ازسوی مقام معظم رهبری به موجب بند اول از اصل ۱۱۰ قانون اساسی، تعیین می‌شود و همچون حلقه پیوندی بین اصول و اهداف نظام با وظایف دستگاه‌ها و نهادهای حکومتی نقش ایفا می‌نمایند. هدف اصلی این سیاست‌ها ایجاد انضباط در کشور معرفی شده که مشخص‌کننده هندسه کلی نظام نیز خواهند بود. این بند، یک فرعی است از اصل ۵۷ قانون اساسی که در آن ذکر شده است «قوای حاکم در جمهوری اسلامی ایران عبارت‌اند از: قوه مقننه، قوه مجریه و قوه قضائیه که زیر نظر ولایت مطلقه امر و امامت امت، طبق اصول آینده این قانون اعمال می‌گردند.» یعنی قوای سه‌گانه ما تحت ولایت امامت امر قرار دارند. بند دوم اصل ۱۱۰ قانون اساسی به لزوم وجود نظارت بر حسن اجرای این سیاست‌ها تأکید کرده و آن را نیز بر عهده مقام رهبری دانسته است (غروی‌ان، ۱۳۸۰: ۱۳۲).

باوجود این مبانی و تبیین وظایف، کارکردها و صلاحیت‌ها دیدگاه‌های متفاوتی در زمینه سخنرانی‌های رهبری در دوره‌های مختلف ریاست جمهوری وجود دارد؛ طیفی از اختلاف نظر از برداشت جهت‌گیرانه و جناحی تا برداشت بی‌طرفانه رهبری در سخنرانی‌ها. ادعای این مقاله این است که در جمهوری اسلامی ایران، از ابتدای انقلاب تاکنون، مقام رهبری حمایت‌های خود را از دولت‌ها در مسیر نیل انقلاب به اهداف والا ادامه داده‌اند. مبنای این راهنمایی و حمایت‌های رهبری از دولت‌ها ارتباط مستقیمی با گفتمان و عملکرد آنها در طی زمان مدیریت کشور دارد نه خود اشخاص و مسئولین، زیرا این رهنمودها و انتقال تجربه‌ها منجر به پیشرفت و اعتلای نظام و کشور خواهد شد. این مبنایی است که رهبر انقلاب بارها در باب نسبت خود با چهره‌ها و نهادهای نظام بیان کرده‌اند. ما در این پژوهش، قصد داریم با توجه به تشریح وظیفه رهبری در قانون اساسی و در راستای تعیین سیاست‌های کلی نظام و مصالح و مقتضیات جامعه و با وجود همه تفاوت‌ها و شرایط داخلی و خارجی، نشان داده شود که هدف اصلی الگوی حکمرانی رهبری اعتلای جامعه اسلامی و عزت و قدرت جمهوری اسلامی ایران و رفاه عمومی جامعه و آسایش مردم و توسعه و آبادانی کشور بوده است.

اهداف و پرسش‌های پژوهش

مکتوب حاضر با هدف بررسی الگوی حکمرانی مقام معظم رهبری نگاشته شد. در راستای بررسی این هدف کلی، بررسی موردی رویکرد ایشان در عرصه حکومت‌داری با عنوان بررسی تطبیقی دوره‌های اول، دو رئیس‌جمهور ایران با توجه به تحلیل محتوای سخنرانی‌های نوروزی رهبری (به‌عنوان مهم‌ترین متن شکل‌دهنده سیاست و رویکرد ایشان در هر سال) انتخاب گردید. با توجه به این هدف اصلی، شناخت وظایف و جایگاه ولایت فقیه در جمهوری اسلامی، نشان دادن بی‌طرفی در اجرای سیاست‌ها و مصالح نظام در شیوه مدیریتی و حکومت‌داری رهبری به‌عنوان اهداف فرعی مدنظر بوده است. به‌منظور پیگیری اهداف موصوف پرسش‌های زیر طرح گردید و مقاله حاضر درصدد پاسخگویی به این پرسش‌ها می‌باشد:

- چه موضوعاتی محورهای اصلی سخنرانی‌های نوروزی رهبری در دوره موصوف را تشکیل داده‌اند؟
- انتخاب و اولویت‌بندی محورهای سخنرانی‌های نوروزی رهبری بر چه اساسی می‌باشد؟
- چه تفاوت‌ها و شباهت‌هایی در سخنرانی‌های نوروزی رهبری در مشهد در دوره‌های اول احمدی‌نژاد و روحانی وجود داشت؟
- الگوی حکمرانی، تصمیم‌گیری و سخنرانی‌های ایشان بی‌طرفانه یا جهت‌گیرانه بوده است؟ پاسخ به پرسش‌های موصوف در قالب نمونه موردی و مقایسه‌ای با روش تحلیل محتوا به صورت صریح و در مواردی ضمنی در قالب تحلیل داده‌ها مورد بررسی و ارزیابی قرار گرفته است.

پیشینه پژوهش

در زمینه دیدگاه و اندیشه رهبری، بدون ارتباط با الگوی حکمرانی و سخنرانی‌های نوروزی آثاری به رشته تحریر درآمده‌اند؛ الگوی تهدیدشناسی از منظر رهبری (ساوه درودی؛ اسمعیلی؛ حیدری، ۱۳۹۵)، امنیت عمومی در اندیشه و بیانات مقام رهبری (افتخاری و نهازی، ۱۳۸۹)، نظریه بیداری اسلامی براساس اندیشه سیاسی مقام رهبری (نجفی، ۱۳۹۱)، مبانی سیاست خارجی در اندیشه رهبری (واعظی دهنوی، ۱۳۹۱)، واکاوی مدیریت فرهنگی از دیدگاه رهبری (مشکواتی و میرشکاری، ۱۳۹۷)، الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت از منظر آیت‌الله خامنه‌ای (بهمن، ۱۳۹۷) مهم‌ترین آثار می‌باشند که به دیدگاه مقام معظم رهبری پرداخته‌اند. پژوهش‌های موصوف اولاً، مستقیم به الگوی حکمرانی رهبری پرداخته‌اند و ثانیاً، هیچ ارتباطی به سخنرانی‌های نوروزی رهبری ندارند.

مرتبط‌ترین آثار به موضوع این مقاله «تحلیل محتوای پیام‌های نوروزی مقام رهبری در سال‌های ۱۳۹۲ و ۱۳۹۳ (اقتصاد مقاومتی: مطالعه موردی)» (شیرازیان، ۱۳۹۴) و مقاله «تحلیل محتوایی فرهنگی بیانات رهبری در سال اقتصاد مقاومتی و اقدام عمل» (زمانی، ۱۳۹۶) می‌باشند؛

هر دو به پیام سال (اقتضا مقاومتی) تأکید دارند و ارتباط مستقیم و مشابهت موضوعی با این مقاله ندارند. بنابراین، پژوهش حاضر از جنبه‌های زیر جدید می‌باشد:

- پیوند الگوی حکمرانی رهبری در ادامه تفکر و جهان‌بینی اسلامی و نشان دادن آن در سخنرانی‌های نوروزی رهبری
- مقایسه سخنرانی‌های نوروزی به روش تحلیل محتوای کیفی و مقایسه دو دولت با گفتمان‌ها و شعارهای متفاوت در یک دوره هشت‌ساله با توجه به الگوی حکمرانی رهبری

تعریف مفاهیم

- حکمرانی

حکمرانی مفهومی مرتبط با دولت، حاکمیت و حکومت است. در فرهنگ لغات فرماندهی، حکومت و حکومت‌داری معنی شده است (دهخدا، ۱۳۷۷). با کنکاش در ریشه واژه حکمرانی، واژه Kubeman به معنی راهبری و هدایت (زارعی؛ حسنونند و سلمانی سبینی، ۱۳۹۶: ۱۲۵) قابل بازیابی است. در علوم سیاسی نیز حکمرانی رفتار یا شیوه حکمروایی و نیز اداره کردن تعریف شده است: حکمرانی مجموعه‌ای از روش‌های فردی و نهادی، عمومی و خصوصی است که امور مشترک مردم را اداره می‌کند. حکمرانی فرایندی پیوسته است که از طریق آن منافع متضاد یا گوناگون را همساز می‌کند و اقدامی همکاری‌جویانه انتخاب می‌گردد (میدری و خیرخواهان، ۱۳۸۳: ۲۵۰-۲۵۸).

حکمرانی در آموزه‌های قرآنی و دینی، معنا و مفهومی فراتر از آن دارد که در علوم سیاسی متعارف از آن بحث می‌شود. در قرآن، بر ضرورت وجود حکومت برای تأمین هدایت بشر تأکید شده است و هدایت بیشتر مردم را در گرو رسالت و حکومت صالح دانسته است (نسا، ۸۳). اکثریت اجتماع اگر از رهبری صحیحی محروم بمانند، گرفتار پیامد دردناکی خواهند شد. آیات ۴۳ تا ۵۶ سوره یوسف که به خواب پادشاه مصر و تعبیر آن از طرف حضرت یوسف اشاره دارد، ضرورت حکمرانی و حکمرانی مدیر و آگاه را برای جوامع انسانی آشکار می‌سازد. در آموزه‌های دینی و اسلامی، خلافت و ولایت از سوی خداوند برای بسترسازی کمال‌یابی بشر

است. از این رو، همه چیز در محور توحید و تکامل انسانی، معنا و مفهوم می‌یابد (جوادی آملی، ۱۳۸۷). الگوی حکمرانی در این پژوهش، در چارچوب شیوه اداره، هدایت و حکمرانی ولایت فقیه در جامعه تعریف شده است.

- ولایت فقیه و رهبری

در اصل ۵ قانون اساسی سال ۶۸ آمده است: «در زمان غیبت حجت بن الحسن در ج.ا.ایران ولایت امر و امامت امت بر عهده فقیه عادل و با تقوا، آگاه به زمان، شجاع، مدیر و مدبر است». در اصل ۱۰۹ قانون اساسی، شرایط و صفات رهبری آمده است که عبارت‌اند از: صلاحیت علمی لازم برای افتا در ابواب مختلف فقه، عدالت و تقوای لازم برای رهبری امت اسلامی، بینش صحیح سیاسی و اجتماعی، تدبیر، شجاعت، مدیریت، قدرت کافی برای رهبری. در صورت تعدد واجدین شرایط فوق، شخصی که دارای بینش فقهی و سیاسی قوی‌تر باشد مقدم است (جوان آراسته، ۱۳۸۷: ۱۲۱).

وظایف و اختیارات رهبری به ترتیب اصل ۱۱۰ قانون اساسی به شرح ذیل است:

تعیین سیاست‌های کلی نظام، نظارت بر حسن اجرای سیاست‌های کلی نظام، فرمان همه‌پرسی، فرماندهی کل نیروهای مسلح، اعلام جنگ و صلح و بسیج نیروها، عزل و نصب و قبول استعفای برخی از مسئولین مهم (فقهای شورای نگهبان، رئیس قوه قضائیه، نصب و عزل و قبول استعفای رئیس سازمان صداوسیما)، حل اختلاف و تنظیم روابط قوای سه‌گانه، حل معضلات نظام که از طریق عادی قابل حل نیست، از طریق مجمع تشخیص مصلحت نظام، امضای حکم ریاست جمهوری، عزل رئیس جمهور، عفو یا تخفیف مجازات محکومین، تصمیم تجدید نظر در قانون اساسی (رفیع‌پور، ۱۳۹۴: ۱۳۴).

روش تحقیق

انتخاب روش تحقیق در مرحله اول، متأثر از انتخاب موضوع است. مقایسه سخنرانی‌ها در دو دوره، انتخاب روش تحلیل محتوا را ضروری ساخت. بخشی از داده‌های این پژوهش از طریق

روش توصیفی با استفاده از جمع‌آوری به شیوه کتابخانه‌ای سازماندهی شده است اما روش اصلی مورد استفاده در پژوهش حاضر روش تحلیل محتوا کیفی جهت ارائه تحلیلی مقایسه‌ای از شیوه حکومت‌داری رهبری در دوره دو رئیس جمهور است. تحلیل محتوا از روش‌های اصلی مشاهده اسنادی است که به وسیله آن می‌توان متون، اسناد و مدارک و در واقع، هر نوع سند ثبت و مطالب ضبط شده‌ای را خواه مربوط به گذشته و خواه مربوط به زمان حال مورد ارزیابی و تحلیلی منظم‌تر، دقیق‌تر و از همه مهم‌تر با درجات بالاتری از پایایی قرار داد (کیوی و دیگران، ۱۳۷۹: ۱۸۲). تحلیل محتوا روشی است که در آن، پژوهشگران در واقع می‌توانند محتوای نامه‌ها، دفترهای خاطرات، مقاله‌ها، مجله‌ها، صورت جلسه‌ها، کتاب‌ها و روزنامه‌ها، اشعار، ترانه‌ها، نقاشی‌ها، سخنرانی‌ها، قوانین و هر نوع متن و سند دیگری را تحلیل کنند (سروستانی، ۱۳۷۵: ۷).

زمانی که پژوهشگران سعی در استنباط معنایی خاص از متن از طریق طبقه‌بندی کلمات و پی بردن به شباهت‌ها و تفاوت‌ها و روابط بین آنها دارند، تحلیل محتوای کیفی مناسب‌تر است. بنابراین، تحلیل محتوای کیفی را می‌توان روش تحقیقی برای تفسیر ذهنی محتوایی داده‌های متنی از طریق فرایندهای طبقه‌بندی نظام‌مند، کدبندی و تم‌سازی یا طراحی الگوهای شناخته شده دانست. همچنین یکی از ویژگی‌های بنیادین پژوهش‌های کیفی نظریه‌پردازی به‌جای آزمون نظریه است. با تحلیل کیفی، می‌توان یک رویکرد تجربی، روش‌شناسانه و کنترل‌شده مرحله‌به‌مرحله را با رعایت عناصر مورد مطالعه در نظر گرفت. جامعه مورد پژوهش مجموعه سخنرانی‌های نوروزی رهبری در دوره اول دو رئیس جمهور است. نمونه‌گیری هدفمند و تعداد نمونه با توجه به رویکرد کیفی، اشباع نظری^۱ بود.

یافته‌های پژوهش

محورهای سخنرانی رهبری

در پاسخ به پرسش اول مقاله، سخنرانی‌های رهبری را در شش محور می‌توان دسته‌بندی کرد که در ادامه به آن اشاره می‌کنیم:

1. Theoretical Saturation.

عدالت اجتماعی

در نظر رهبری، اصطلاحاتی مانند رفاه عمومی، هدفمند کردن یارانه‌ها، کاهش فاصله طبقاتی، اصلاح الگوی مصرف را در زمره عدالت اجتماعی و عمومی قرار می‌گیرند. با وجود این به‌طور کلی، جمالتی (کوتاه، بلند، پاراگراف) را که در آن از این مفاهیم صحبت کرده‌اند را می‌توان ۳۸ بار (در سال ۸۵، ۵ بار؛ در سال ۸۶، ۶ بار؛ در سال ۸۷، ۳ بار؛ در سال ۸۸، ۲۴ بار) برشمرد. همین آمار در دوره روحانی، کاهش یافته به‌طوری که در طول دوره ۴ ساله، ۶ بار (در سال ۹۳، ۴ بار؛ در سال ۹۴، ۰ بار؛ در سال ۹۵، ۱ بار و در سال ۹۶، ۱ بار) به این موضوع پرداخته شده است.

مبحث عدالت اجتماعی به‌نظر رهبری، مهم‌ترین موضوع در بحث سیاست داخلی می‌باشد. زیرا از شعارهای اولیه انقلاب اسلامی، عدالت و نه برابری برای همه افراد جامعه بود. در همین راستا، تلاش‌های (سهام عدالت، خصوصی‌سازی و مسکن مهر و...) دولت نهم (دوره اول احمدی‌نژاد) که با شعار عدالت‌محوری روی کار آمده بود، در پیشبرد این هدف انجام دادند، بهترین فرصت برای رسیدن به این هدف بود. به‌همین دلیل، رهبری بهترین فرصت را برای کمک معنوی برای این دولت دید به‌طوری که ۳۸ بار در طول ۴ سال به آن اشاره نمودند. نکته جالب اینجاست که بیشترین تذکر و یادآوری در این زمینه در سال ۸۸ بود که حتی بیشتر از موضوع انتخابات در این سال اتفاق افتاد. این خود نشان می‌دهد که رهبری دغدغه فراوانی را برای این موضوع از خود نشان دادند. اشاره به موضوع عدالت اجتماعی در دوره روحانی، قابل قیاس به دوره احمدی‌نژاد نیست زیرا تنها ۶ بار به این موضوع پرداخته شده است. اما این به معنی کمتر اهمیت داشتن در این دوران نمی‌باشد زیرا به‌نظر می‌رسد که دغدغه‌های دیگر مثل پروژه غنی‌سازی اورانیوم و مذاکره با قدرت‌های بزرگ جهان، که روحانی در دوران نامزدی انتخابات وعده آن را داده بود، ذهن و تلاش رهبری را به خود معطوف کرده بوده است.

- استفاده از جوانان و ظرفیت‌های جدید

در مورد موضوع جوانان، اصطلاحاتی مانند نیروی انسانی، عناصر و متخصصین داخلی را در زمره این مقوله قرار داده‌ایم. با این وجود، در دوره احمدی‌نژاد ایشان به‌طور کلی، ۱۱ بار و

به‌طور خاص در سال ۸۵، ۳ بار؛ در سال ۸۶، ۱ بار؛ در سال ۸۷، ۰ بار و در سال ۸۸، ۷ بار به این موضوع پرداختند. در دوره روحانی، این موضوع نمود بیشتری داشته است. به‌طوری‌که در سال ۹۳، ۱۲ بار؛ در سال ۹۴ و ۹۵، ۰ بار؛ در سال ۹۶، ۹ بار به آن پرداخته شده است. طبق آمار رسمی، بیکاری در دوره اول احمدی‌نژاد، به نسبت کاهش داشته و اقتصاد به شکل عادی‌تری در حال پیشرفت بود. باین‌وجود، رضایت نسبی بیشتری در میان مردم موج می‌زد ولی در دوره روحانی، به دلیل اینکه بیشتر تلاش خود را صرف سیاست خارجی (به‌طور عام) و برجام (به‌طور خاص) نمودند، کمتر به مسئله اقتصاد و بیکاری توجه شده بود. به‌نظر می‌رسد رهبری جا را برای تذکر و صحبت در مورد جوانان خالی می‌بیند و اشارات بیشتری را در دوره روحانی در مورد مسئله جوانان می‌دهد.

- استقلال و عزت ملی

در زمینه استقلال و عزت ملی، اصطلاحاتی مانند اقتدار و غیرت را در این مقوله قرار داده‌ایم. به‌طوری‌که در دوره احمدی‌نژاد ۱۵ بار (در سال ۸۵، ۸ بار؛ در سال ۸۶، ۱ بار؛ در سال ۸۷، ۳ بار؛ در سال ۸۸، ۱ بار) به این نکته اشاره شده است. در صورتی‌که در دوره روحانی این تعداد به ۱۱ بار (در سال ۹۳، ۵ بار؛ در سال ۹۴، ۱ بار؛ در سال ۹۵، ۰ بار و در سال ۹۶، ۵ بار) تقلیل پیدا کرده است.

این موضوع در عرصه انقلاب، از اصلی‌ترین موارد قابل بحث می‌باشد زیرا از شعارهای قابل فهم و اولیه انقلاب در میان مردم بود که منجر به انقلاب شد. در دوره احمدی‌نژاد برخوردهای فراوانی با جامعه بین‌الملل به‌وجود آمد (سخنرانی‌های تند در سازمان بین‌الملل و در کشورهای دیگر به‌عنوان مهمان و نفی هلوکاست) که در راستای دفاع از استقلال و عزت ملی ایران انگاشته شده بود. به‌نظر می‌رسد سخنان رهبری در اینجا براساس محرک و تشویق‌کننده در نظر گرفته شود، نمود بیشتری دارد. به‌طوری‌که در سال ۸۵ در تعداد ۸ بار بیشترین تحریک را از سوی رهبری به دولت داشته‌اند و در کل، ۱۵ بار در دوره اول احمدی‌نژاد. با این احتساب در دوره روحانی، تنها ۱۱ بار به این تذکرات و محرکات اشاره شده است که آن هم بیشتر در

ارتباط با برنامه هسته‌ای ایران و رابطه ما با دنیای خارج علی‌الخصوص ۱+۵ بوده که به‌عنوان هشداری هم می‌شود حساب کرد برای اعتلای بصیرت جامعه.

- انتخابات

در زمینه موضوع انتخابات نیز اصطلاحات خواست مردم و مردم‌سالاری دینی را در این مقوله قرار دادیم. به‌طوری که در دوره احمدی‌نژاد ۲۶ بار (در سال ۸۵، ۱ سال بار؛ در سال ۸۶، ۲ بار؛ در سال ۸۷، ۴ بار و در سال ۸۸، ۱۹ بار) در این زمینه صحبت کردند. این موضوع در دوره روحانی به ۲۶ بار (در سال ۹۳، ۹ بار؛ در سال ۹۴، ۰ بار؛ در سال ۹۵، ۱ بار و در سال ۹۶، ۱۶ بار) می‌رسد.

با توجه به آمار بالا به‌نظر می‌رسد اهمیت انتخابات ریاست جمهوری و به‌تبع آن انتخابات شوراهای شهر و روستا، که همزمان با انتخابات ریاست جمهوری است، برای رهبری بیشتر می‌باشد. به‌طوری که در سال ۸۸، در دوره احمدی‌نژاد (۱۹ بار) و در سال ۹۶ در دوره روحانی (۱۶ بار) بیشترین تذکرات را داشتند. در صورتی که انتخابات مجلس خبرگان و شوراهای شهر روستا در سال ۸۵، تنها یکبار به موضوع انتخابات پرداختند. در مورد انتخابات مجلس، که در سال‌های ۸۶، ۹۴ انجام شد، به‌ترتیب ۶ و ۰ بار به آن در سخنرانی‌های نوروزی اشاره کردند. به‌نظر می‌رسد انتخابات ریاست جمهوری به دلیل اینکه نمود و تبلیغات و حساسیت بیشتری در درون و خارج از کشور (نظام بین‌الملل) برخوردار است، در دید رهبری اهمیت بیشتری را دارد. اتفاقاتی که در سال ۸۸، به وقوع پیوست که از آن به‌فتنه یاد می‌شود حساسیت فراوانی در سطح جامعه و حکومت برانگیخت. به‌نظر می‌رسد که تذکرات و اشارات رهبری در مورد انتخابات ریاست جمهوری از همین حساسیت نشئت می‌گیرد.

- سیاست داخلی و توسعه سیاسی

در مورد موضوع مسائل داخلی و توسعه سیاسی، اصطلاحات وحدت ملی، انسجام ملی، اتحاد ملی، رشد ملی، رشد سیاسی را در این مقوله قرار دادیم. به‌طوری که در دوره احمدی‌نژاد ۱۵ بار (در سال ۸۵، ۳ بار؛ در سال ۸۶، ۵ بار؛ در سال ۸۷، ۱ بار و در سال ۸۸، ۶ بار) در این موضوع

صحبت کردند. همین موضوع در دوره روحانی کاهش چشمگیری داشته است. به طوری که در این دوره، بیش از ۴ بار (در سال ۹۳، ۱ بار؛ در سال‌های ۹۴ و ۹۵، ۰ بار و در سال ۹۶، ۳ بار) به این موضوع پرداخته نشده است.

در زمینه مسائل داخلی باید اذعان کرد که اکثر موارد مورد پژوهش در همین زمره قرار می‌گیرند ولی در مورد توسعه سیاسی دوره روحانی قابل مقایسه با دوره احمدی‌نژاد نمی‌باشد. تعداد دفعاتی که رهبری در مورد انسجام ملی، اتحاد ملی، رشد سیاسی، رشد ملی یا وحدت ملی صحبت کردند در دوره احمدی‌نژاد، به نسبت بیشتر بوده به طوری که در سال ۸۸ به اوج خود رسید. ولی در دوره روحانی تنها ۴ بار آن هم در سال‌های ۹۳ و ۹۶ به این موضوع اشاره کردند. دلیل این مطلب نیز همان ارتباط بسیار نزدیک شعارها و اعمال و تفکرات احمدی‌نژاد با علایق رهبری و ارزش‌های انقلاب می‌باشد.

- مسائل خارجی و روابط خارجی

در مورد موضوع مسائل خارجی و روابط خارجی، اصطلاحات دشمن، آمریکا، رژیم صهیونیستی، جامعه جهانی، حقوق بشر، شورای امنیت، منطق، استکبار، وحدت اسلامی، نظام سلطه، انسجام اسلامی در این مقوله قرار دادیم. با وجود این، در دوره احمدی‌نژاد به طور کلی ۱۰۴ بار (در سال ۸۵، ۲۵ بار؛ در سال ۸۶، ۲۸ بار؛ در سال ۸۷، ۲۴ بار؛ در سال ۸۸، ۲۷ بار) از این تعابیر استفاده کردند. در حالی که در دوره روحانی این رقم به ۲۶ بار (در سال ۹۳، ۱۰ بار؛ در سال ۹۴، ۰ بار؛ در سال ۹۵، ۳ بار و در سال ۹۶، ۱۳ بار) رسیده است.

در این زمینه نیز رهبری شرایط زمانی دوره احمدی‌نژاد را بسیار مناسب‌تر از دوره روحانی می‌بیند. زیرا تذکرات رهبری در دوره روحانی، بسیار کمتر از دوره احمدی‌نژاد می‌باشد. به درستی، باید گفت که مسائل و روابط بین‌الملل از نکات غیر قابل حذف در سخنان رهبری در هر سخنرانی می‌باشد. در هر سال، بنا به هر دلیلی که به نظر می‌رسد (ایجاد بصیرت و دشمن‌شناسی و اتکا به ظرفیت‌های داخلی) باشد، رهبری تذکرات فراوانی را در این زمینه ابراز کرده‌اند. با وجود این، این تذکرات در دوره روحانی بسیار بیشتر بوده است.

سال ۸۵ پرحاشیه‌ترین سال در دوره اول احمدی‌نژاد بوده است. آن هم به دلیل شعارهای دولت کارآمد و عدالت گستر، سلامت مدیران، مبارزه با فساد اداری، تشکیل دولت مکتبی و اسلامی، پیشگیری از بروز شکاف بین دولت و مردم خود و سخنرانی‌های تند و بی‌پروا وی در جاهای مختلف در داخل کشور یا در سازمان ملل (در زمینه محو اسرائیل از نقشه و نفی هلوکاست) که واکنش‌های فراوانی را برانگیخت. از جمله کارهای بحث‌برانگیز دولت نهم قطع تعلیق غنی‌سازی اورانیوم و به تبع آن، قطع مذاکرات ایران و اروپا به نظر می‌رسد رهبری به‌عنوان حمایت از وی و سیاست‌های او رو به کمک‌های معنوی از طریق سخنرانی روی آوردند. این جمله از این منظر است «این دولتی که تقریباً شش ماه است مشغول به کار شده، دولت جدید شاخصه‌اش عبارت است از: تصمیم قاطع بر خدمت‌خستگی‌ناپذیر به مردم، به میدان آوردن همه توان خود و پُررنگ کردن هدف‌های بلند انقلاب. اینها مشخصه‌های این دولت است. این دولت با تکیه بر شعارهای انقلاب و شعارهای امام بزرگوار بر آن است که همه توان خود را به میدان بیاورد؛ با همه وجود کار کند؛ گره‌های زندگی مردم را باز کند؛ زیرساخت‌های کشور را هرچه زودتر و هرچه بهتر و جامع‌تر به وضعیت مطلوب برای پیشرفت‌های آینده بسازد و در عرصه بین‌المللی بر استقلال ملی و عزت ملت ایران تکیه کند».

رهبری در این سال، در مورد مسائل مورد بحثی اشاراتی داشتند، به طوری که در مورد مسئله عدالت اجتماعی ۵ بار؛ جوانان ۳ بار؛ استقلال و عزت ملی ۸ بار؛ مسائل و توسعه داخلی ۳ بار، مسائل خارجی و روابط خارجی ۲۵ بار. این خود نشان‌دهنده فرضیه بالاست.

ایشان در سال ۸۶، با اشارات متعدد در مورد موضوعات مورد بحث، بیشترین دغدغه خود را معطوف به مسائل خارجی نمودند به طوری که بیشترین تذکر و اشاره و رهنمود را در مورد مسائل خارجی مربوط به همین سال می‌باشد، با ۲۸ بار، که این خود دلایلی اعم از: تمدید تحریم‌های ایران از طرف آمریکا، اعلام آتش بس از سوی سازمان بین‌الملل، بین طرفین رژیم صهیونیستی و لبنان، اعتراف آمریکا به انجام شکنجه در زندان گوانتانامو و....

ایشان در این سال نیز از راهکارها و سیاست‌های دولت نهم پشتیبانی نموده به طوری که از جملات متعددی می‌توان به این منظر پی برد «از همه دولت‌های بر سر کار و منتخب مردم

حمایت کردم و از این دولت هم به‌طور خاص، حمایت می‌کنم زیرا جایگاه دولت در این نظام جایگاه بسیار مهمی است و اینکه بیشترین مسئولیت‌ها را دولت برعهده دارد» یا «سخت‌کوشی و تلاش فراوان، ارتباط با مردم، سفرهای استانی، جهت‌گیری عدالت و ذی مردم این دولت باعث شده از این دولت به‌طور خاص حمایت کنم». در ادامه، ایشان ۶ بار در مورد عدالت‌اجتماعی بحث نموده و همچنین در مورد جوانان ۱ بار؛ استقلال و عزت ملی ۳ بار؛ انتخابات راه، به دلیل اینکه انتخابات مجلس شورای اسلامی در این سال برگزار می‌شد، ۲ بار و ۵ بار به مسائل داخلی و توسعه سیاسی در این سخنرانی اشاره کردند.

در سال ۸۷، ایشان باز به مسئله روابط خارجی به‌عنوان مهم‌ترین مسئله کشور و با بیشترین اشاره به آن به دلایلی چند اعم از (واکنش به قطعنامه شورای امنیت علیه ایران) یعنی ۲۴ بار پرداختند. در ادامه، به موضوعات دیگر یعنی عدالت‌اجتماعی با ۳ بار؛ استقلال و عزت و ملی هم ۳ بار؛ انتخابات، با اینکه سال هیچ‌گونه انتخاباتی نبود، ۴ بار (البته یک پیش پرداخت به انتخابات سال گذشته مجلس شورای اسلامی بود) و مسائل داخلی و توسعه سیاسی ۱ بار به سخنرانی خود پایان دادند.

در سخنرانی نوروزی رهبری در اول فروردین سال ۸۸، به تمام موضوعات مورد بحث ما اشارات و تذکرات فراوانی را نسبت به سال‌های گذشته داشته‌اند. به‌طوری‌که ایشان دهه آینده را دهه پیشرفت و عدالت مطرح و نام‌گذاری کردند. در همین راستا، ایشان از طرح هدفمند کردن یارانه‌ها به‌عنوان راهکاری برای جلوگیری از شکاف طبقاتی بیشتر و توجه فزاینده به افراد ضعیف‌تر، که این خود از نشانه‌های عدالت‌اجتماعی است، نام می‌برند به‌طوری‌که در مورد موضوع عدالت‌اجتماعی بیش از هر سال دیگر (چه قبل، چه بعد) به آن اشاره کردند (۲۴ بار). البته باید خاطر نشان کرد که در همه موارد، به غیر از استقلال و عزت ملی (البته از یک منظر اتفاقات و وقایع سال‌های ۸۷ و ۸۸ خود نشان‌دهنده استقلال و قدرت و اقتدار و عزت ملی می‌باشد)، همه اشارات بیشتر از زمان‌های دیگر بوده، آن هم به دلیل اینکه هم سال انتخابات ریاست جمهوری بوده و هم پیشرفت‌های چشمگیر هسته‌ای ایران، سفر دوباره احمدی‌نژاد به نیویورک برای شرکت در مجمع عمومی سازمان ملل و نقد دوباره صهیونیسم، انتخابات ریاست

جمهوری آمریکا و عدم شناخت سیاست‌های آینده رئیس جمهور آمریکا، پیشرفت‌های نظامی چشمگیر و همچنین به مناسبت نام‌گذاری آن دهه به دهه پیشرفت و عدالت. در همین راستا، رهبری ۲۴ بار به موضوع عدالت اجتماعی و ۷ بار به مسئله جوانان (آن هم به دلیل اینکه پیشرفت و آبادانی کشور بیشتر در گرو توجه و بها دادن به جوانان می‌باشد)، یکبار به صورت مستقیم به موضوع استقلال و عزت ملی؛ ۱۹ بار به مسئله انتخابات (سال انتخابات)؛ در مورد مسائل داخلی و توسعه سیاسی ۶ بار و در مورد مسائل خارجی و روابط خارجی (به دلایلی که قبلاً ذکر شد) ۲۷ بار پرداختند.

در دوره روحانی، طبق آمار به دست آمده به نظر می‌رسد در موارد مورد بحث، رهبری اشارات و تذکرات کمتری را نسبت به دوره احمدی‌نژاد ابراز داشته‌اند. البته باید خاطر نشان کرد که تمام هم‌وغم دولت در دوره اول، روحانی معطوف سیاست خارجی و جامعه بین‌الملل بود و کمتر به حوزه اقتصاد و غیره پرداخته شد. رهبری اتفاقات سال ۹۲ را انتخابات ریاست جمهوری و راهپیمایی عظیم ۲۲ بهمن را به عنوان حماسه سیاسی یاد کردند. به نظر می‌رسد که بیشترین موضوعی که ذهن رهبری را در سال ۹۳ به خود مشغول کرده بحث جوانان بوده به طوری که ۱۲ بار به این موضوع در این سال اشاره کردند. این در حالی است که نرخ بیکاری در سال ۹۲، به میزان تقریبی ۲ درصد کاهش داشته (نرخ بیکاری در سال ۹۱: ۱۲/۳ و در سال ۹۲: ۱۰/۴). ولی این موجب نمی‌شود که ایشان از حساسیت در این زمینه بکاهند، زیرا به نظر ایشان، هرگونه تلاش در این زمینه باز کم است. باید در نظر داشت که استقلال و عزت ملی به طور کل، یکی از دغدغه‌های اصلی رهبری در همه زمان‌ها بوده است. موضوعی که یکی از شالوده‌های اصلی و شعارهای اصلی در انقلاب ۱۳۵۷ را تشکیل می‌داد. تا حدودی اهمیت به این موضوع به مثابه زنده نگه داشتن آرمان‌های انقلاب به شمار می‌رود. در همین راستا، در سال ۹۳، تنها ۵ بار به این موضوع پرداختند. انتخابات ۹۲ از یک منظر، بسیار حائز اهمیت می‌نمود. به طوری که بعد از انتخابات مناقشه برانگیز سال ۸۸ که اتفاقات تلخی در زمینه سیاست داخلی رخ داد و اعتراضات اساسی در سطح جامعه به وقوع پیوست، انتخابات ۹۲ از حساسیت خاصی برخوردار شد. البته با رهنمودهای رهبری و تبلیغات، مشارکت واجدین شرایط نزدیک به ۷۳ درصد رسید. ایشان

با ۹ بار اشاره به موضوع انتخابات فقط در سخنرانی‌های نروزی خود با افتخار آمیز خواندن این انتخابات، آن را یک حماسه ملی نامیدند. در صورتی که در زمینه مسائل داخلی و توسعه داخلی تنها ۱ بار پرداختند. طوری به نظر می‌رسد که مباحث جوانان و انتخابات و سیاست خارجی اهم مسائل از نظر رهبری را تشکیل می‌دهند. به طوری که در مورد مسائل خارجی ۱۰ بار پرداخته شده است (البته قابل مقایسه با تکرار ۲۵ بار در سال اول دوره احمدی‌نژاد نیست).

سال ۹۴ از استثنائات اساسی در زمینه این نوشتار است. زیرا رهبری بعد از تبریک سال نو و نام‌گذاری این سال به نام «دولت و ملت، همدلی و هم‌زبانی» و درخواست از دولت و ملت به همکاری بیشتر با هم، کلام خود را خاتمه دادند به طوری که در این سال، در مورد موضوعاتی که در مبحث ما می‌گنجد، تنها یک‌بار آن هم در مورد استقلال و عزت ملی صحبت کردند. سال ۹۵ نیز مانند سال ۹۴، سال کم‌گفتگویی با مردم بود، به طوری که ۱ بار در موضوع عدالت اجتماعی؛ ۱ بار در مورد انتخابات و ۳ بار در مورد موضوع مسائل خارجی و روابط خارجی صحبت کردند. در این سال، بیشتر در مورد تولید و اقتصاد، آن هم به صورت مختصر، صحبت به میان آوردند.

اما در سال ۹۶ (سال انتخابات)، مواضع رهبری در زمینه‌های جوانان، انتخابات و سیاست خارجی صحبت‌های زیادی به میان آوردند. همان‌طور که قبلاً گفتیم، سال‌هایی که به انتخابات ختم می‌شود، حساسیت فراوانی را از سوی رهبری مشاهده می‌کنیم. می‌توان از انتخابات به‌مثابه خط قرمز رهبری در مسائل داخلی نام برد، زیرا مقبولیت نظام از این انتخابات و رأی مردم نشئت می‌گیرد و همچنین راهی برای ایجاد بصیرت در میان مسئولین و مردم و درس‌هایی برای دشمن‌شناسی برای آحاد جامعه به‌شمار می‌رود. در این سال، تنها یک‌بار از عدالت‌اجتماعی سخن به میان آوردند. موضوع جوانان از مواردی است که ذهن رهبری را در این سال به خود اختصاص داده است به طوری که ۹ بار به آن پرداختند. در این سال، استقلال و عزت ملی از نظر ایشان، حائز اهمیت بوده به طوری که ۵ بار به آن پرداختند. در مورد انتخابات نیز، که قبلاً گفته شد و سال ۹۶ نیز سال انتخابات ریاست جمهوری در ایران بود. پس به همین منوال اشارات رهبری به این موضوع به ۱۶ بار رسید و تأکیدات فراوانی را در این زمینه داشتند. در مورد بحث

مسائل داخلی و توسعه سیاسی ۳ بار به این موضوع پرداختند. البته باید گفت که مسائل مانند انتخابات، جوانان، استقلال و عزت ملی، عدالت اجتماعی در زمره مسائل داخلی است ولی بنا به دلیل اینکه «۱. توسعه سیاسی خود به‌عنوان یک موضوع اساسی قابل بحث می‌باشد ۲. اینکه توسعه سیاسی به معنی رشد سیاسی، اتحاد ملی، انسجام ملی، محدث ملی انگاشته شده است» در یک موضوع جداگانه بحث شده است. در مورد موضوع مسائل خارجی و روابط خارجی که جزء لاینفک سخنان رهبری در هر سخنرانی (نوروزی و غیرنوروزی) می‌باشد، باید گفت که ۱۲ بار به این موضوع پرداخته شده است.

با توجه به داده‌های فوق، انتخاب و اولویت‌بندی محورهای سخنرانی‌ها به‌عنوان پرسش دوم مقاله، از بُعد نظری و تاریخی، متأثر از جهان‌بینی اسلامی و در تداوم نقش و کارکرد رهبری در جامعه اسلامی از یک سو، و از بُعد عملی، با توجه به اهداف انقلاب و ساختار قانون اساسی و وظایف رهبری انتخاب و اولویت‌بندی می‌گردند. براساس بند یکم از وظایف و اختیارات رهبری، سیاست‌های کلی نظام جمهوری اسلامی در همه زمینه‌های داخلی و خارجی، سیاسی، اقتصادی، نظامی، اجتماعی و فرهنگی به وسیله رهبری تعیین و ترسیم می‌شود و مجلس شورای اسلامی و شورای عالی انقلاب فرهنگی نیز باید در محدوده این سیاست‌های کلی و در چارچوب قانون اساسی و موازین شرعی، این سیاست‌ها را به شکل قانونی و قابل اجرا درآورده، برای اجرا به قوه مجریه ارسال نمایند. رهبری، در همین راستا، در آخرین حکم خود، تعیین سیاست‌های کلی را به مجمع تشخیص مصلحت نظام تفویض کردند. سیاست‌های کلی نظام با شعارها و اهدافی که اوایل انقلاب اسلامی (اعم از عدالت، پیشرفت به سبک اسلامی، حمایت از مستضعفین، استکبار ستیزی، استقلال، آزادی) نمایان شد، بروز پیدا می‌کند. تمام موارد مورد بحث (عدالت اجتماعی، جوانان، استقلال و عزت ملی، انتخابات، مسائل داخلی و توسعه سیاسی، مسائل خارجی و روابط خارجی) نیز در بیانات رهبری در دوره‌های مدنظر هم در همین راستا و برای نیل به اهداف و شعارهای اولیه انقلاب می‌باشد. در همین راستا و با توجه به آمارهای ارائه شده به‌نظر می‌رسد که احمدی‌نژاد در دوره اول خود تلاش بیشتری را برای تحقق بخشیدن به این اهداف ابراز داشتند. از این نتیجه اخیر وارد پرسش دوم پژوهش،

تفاوت‌ها و شباهت‌های سخنرانی‌های رهبری در دو دوره و پاسخ به آن می‌شویم: محورهای سخنرانی‌ها باتوجه به جنبه‌های نظری و تاریخی و عملی موصوف، یکسان بوده است. اما میزان پایبندی و نزدیکی اهداف دولت‌ها به اهداف تفکر اسلامی و انقلاب اسلامی ازیک‌سو، و شرایط و مقتضیات زمانی هر دوره و اولویت‌بندی موضوعات و دغدغه‌ها (مثلاً عدالت‌اجتماعی در دوره احمدی‌نژاد و سیاست خارجی و روابط بین‌الملل در دوره روحانی)، تفاوت‌ها را در پی داشته است.

احمدی‌نژاد ۴ آبان ۸۴، در سخنرانی خود در سازمان ملل با طرح مباحث ضد استکباری و عدالت‌خواهانه، طرح موضوع انکار هلوکاست^۱ و اشاره به پاک شدن اسرائیل از نقشه جهان، مدعی بود در راستای تحقق سیاست‌های کلی نظام مبنی بر حمایت از مستضعفین جهان و مبارزه با ظلم و استکبار گام برداشته است. این موضوع و همچنین طولانی شدن و بی‌نتیجه ماندن مذاکرات هسته‌ای و تعویض و جابه‌جایی تیم مذاکره‌کننده تبعاتی را برای نظام جمهوری اسلامی ایران در پی داشت که عبارت‌اند از: تصمیم آژانس بین‌المللی انرژی اتمی برای ارجاع پرونده هسته‌ای ایران به شورای امنیت و به تبع آن، صدور نخستین قطعنامه شورای امنیت در پرونده هسته‌ای ایران در این دوره و همچنین تصویب آیین‌نامه واگذاری سهام عدالت در دولت در راستای عدالت‌اجتماعی که رهبری در این دوره ۳۸ بار به آن اشاره کرده‌اند، به چشم می‌خورد. رهبری همان‌طور که مسئولیت تعیین سیاست‌های کلی نظام را بر عهده دارد، با دقت تمام بر حسن اجرای این سیاست‌ها نیز نظارت دارد تا سیاست‌های تعیین شده به هنگام اجرا، از اهداف و آرمان‌های اصلی منحرف نشده و به‌خوبی پیاده شود.

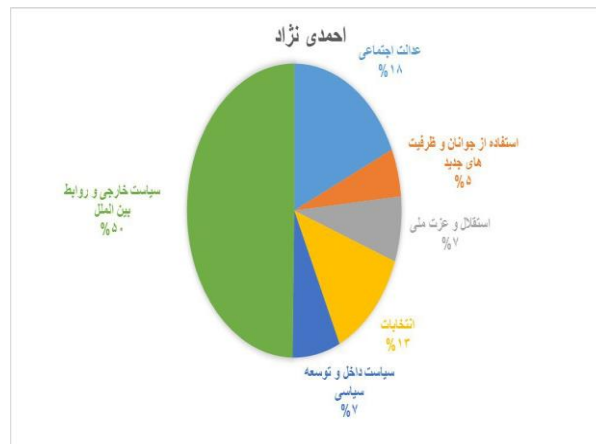
ولی دولت یازدهم مهم‌ترین مشکل کشور برای پیشرفت را تحریم‌های سنگین از سوی جامعه بین‌الملل، سازمان بین‌الملل، شورای امنیت و تحریم‌های کشور آمریکا می‌دید. پس تمام هم و غم خود را معطوف به سرانجام رساندن این پرونده قرار داد. با روی کار آمدن دولت یازدهم، فصل تازه‌ای در پرونده هسته‌ای ایران گشوده شد. با وجود اینکه بحث پرونده هسته‌ای ایران جزء مسائل خارجی و روابط بین‌الملل محسوب می‌شود، ولی باز تأکید به این موضوع در

1. Holocaust

بیانات رهبری در دوره روحانی، بسیار کمتر از دوره احمدی‌نژاد بوده است. این خود نشان‌دهنده آن است که شعارها و تلاش‌های دولت روحانی آنچنان مورد نظر رهبری که پیش شرط‌هایی را برای اجرای برجام ابراز داشته‌اند.

از لحاظ آماری، طبق موضوعات مطرح شده به غیر از موضوع انتخابات، تمام موضوعات مورد بحث در دوره احمدی‌نژاد خیلی بیشتر از دوره روحانی در بیانات رهبری خودنمایی کرده است. طبق آمارهای به‌دست آمده، که براساس اهمیت و اولویت موضوعات در هر دوره، عبارت‌اند از: دوره احمدی‌نژاد: ۱. مسائل و روابط خارجی ۲. عدالت اجتماعی ۳. انتخابات ۴. استقلال و عزت ملی ۵. مسائل داخلی و توسعه سیاسی ۶. جوانان.

در دوره روحانی: ۱. مسائل و روابط خارجی ۲. انتخابات ۳. جوانان ۴. استقلال و عزت ملی ۵. عدالت اجتماعی ۶. مسائل داخلی و توسعه سیاسی به‌نظر می‌رسد شعارها، تلاش‌ها، نقطه‌نظرها، اقدامات دولتی، که به ارزش‌های اولیه انقلاب نزدیک‌تر باشد، در دید رهبری از حمایت بیشتر و اصالت بیشتری برخوردار خواهد شد. نمودارهای ۱ و ۲ و جدول شماره ۱ به‌خوبی پاسخ به پرسش سوم پژوهش را نشان می‌دهند.



نمودار شماره ۱ محورهای سخنرانی رهبری در دوره احمدی‌نژاد

ادامه جدول شماره ۱ شباهت‌ها و تفاوت‌های سخنرانی‌های نوروزی در دوره اول احمدی‌نژاد و روحانی

توصیف مقایسه‌ای						روحانی سال	احمدی‌نژاد سال	دوره ریاست جمهوری محورها و شاخص‌ها
تعداد	روحانی	سال	تعداد	احمدی‌نژاد	سال			
۵	موضوعات مرتبط	۹۳	۸	موضوعات مرتبط:	۸۵	۱۱	۱۵	استقلال و عزت ملی
۱	غیرت:	۹۴	۳	غیرت	۸۶			
۰	و	۹۵	۳	و	۸۷			
۵	اقتدار	۹۶	۱	اقتدار	۸۸			
۹	موضوعات مرتبط:	۹۳	۱	موضوعات مرتبط:	۸۵	۲۶	۲۶	انتخابات
۰	خواست مردم	۹۴	۲	خواست مردم	۸۶			
۱	مردم سالاری دینی	۹۵	۴	مردم سالاری دینی	۸۷			
۱۶		۹۶	۱۹		۸۸			
۱	موضوعات مرتبط:	۹۳	۳	موضوعات مرتبط:	۸۵	۴	۱۵	سیاست داخلی و توسعه سیاسی
۰	وحدت ملی -	۹۴	۵	وحدت ملی -	۸۶			
۰	انسجام ملی	۹۵	۱	انسجام ملی	۸۷			
۳	اتحاد ملی-رشد سیاسی رشد ملی	۹۶	۶	اتحاد ملی-رشد سیاسی رشد ملی	۸۸			
۱۰	موضوعات مرتبط:	۹۳	۲۵	موضوعات مرتبط:	۸۵	۲۶	۱۰۴	سیاست خارجی و روابط بین‌المللی
۰	دشمن - آمریکا -	۹۴	۲۸	دشمن - آمریکا -	۸۶			
۳	رژیم صهیونیستی	۹۵	۲۴	رژیم صهیونیستی	۸۷			
۱۳	حقوق بشر - شورای امنیت - منطقه - استکبار	۹۶	۲۷	حقوق بشر -شورای امنیت - منطقه - استکبار	۸۸			

وجود محورهای مشترک سخنرانی‌ها در دو دوره، باتوجه به اهداف جهان‌بینی اسلامی و اهداف انقلاب اسلامی حاکی از بی‌طرفی و بدون پیش‌فرض جهت‌گیرانه در ارائه بیانات به‌عنوان پاسخ پرسش چهارم مقاله است. اما تفاوت‌ها با توجه به موضوعات، دغدغه‌ها و شعارهای هر دوره می‌باشد که در مجموع بیان شد که این تفاوت‌ها با توجه به موضوعات متفاوت و شرایط متفاوت در هر دو دوره نگاه حمایتی و انتقادی رهبری را به همراه داشته است. بنابراین، الگوی حکمرانی رهبری در راستای آموزه‌های دینی و متأثر از اهداف انقلاب و ساختار حقوقی و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، فرایندی، عام‌نگر و جهان‌شمول و با توجه به زمان و شرایط مقتضی اندیشانه بوده است.

بحث و نتیجه‌گیری

مخاطبین عام و آحاد مردم عموماً در فهم بیانات رهبری بیشتر به زمان و شرایط حال متمرکز می‌باشند. عنصر «زمان» در چنین رویکردی واجد اهمیت زیاد است و به تبع آن، بیاناتی که حسب شرایط روز بیان می‌شوند، مورد رجوع بیشتری قرار می‌گیرند، باید این نکته را لحاظ کرد که رهبری با توجه به مشکلات روز جامعه و البته بررسی آمار و ارقام نکات مورد نظر را بیان می‌کنند که این امر به دولت‌ها کمک می‌کند از مسائل اولویت‌بندی‌های درست و صحیح را در اختیار داشته باشند؛ به‌طور مثال، با توجه به اهتمام قضیه عدالت‌اجتماعی در دوران ریاست جمهوری احمدی‌نژاد، این قضیه بیشتر مورد بیان رهبر انقلاب بود یا ردپای بحث اقتصاد مقاومتی که در دوران روحانی از مسائل درجه اول کشور بوده، در بیانات رهبر انقلاب، بیشتر به چشم می‌خورد و ضریب اهمیت این سنخ از بیانات برای دولت‌های گوناگون نیز باید متفاوت باشد تا با پیگیری و اجرای توصیه‌های رهبری کشور در مسیر آبادانی قرار بگیرد.

رهبری در دوره احمدی‌نژاد، به خصوصیات مختص رئیس‌جمهور و انطباق آن با ارزش‌های انقلاب و لزوم وجود هم‌چنین شخصیتی در این زمان پرداخته‌اند. ولی در دوره روحانی به مقولات انتخابات و راهپیمایی پرداختند. این خود نشان می‌دهد که سیاست‌های در

پیش گرفته شده از طرف احمدی‌نژاد به ارزش‌های کشور و به تبع آن، به نظرات رهبری نزدیک‌تر بوده است.

درعین‌حال، باید در نظر داشت که مسائل خارجی و دشمن‌شناسی و ایجاد بصیرت و مقوله اقتصاد جزء لاینفک سخنرانی‌های رهبری در نوروز هر سال می‌باشد. ولی این موضوع در دوره احمدی‌نژاد بسیار نمود بیشتری داشته است. به طوری که در دوره احمدی‌نژاد ۱۰۴ بار ولی در دوره روحانی تنها ۲۶ بار به این موضوع پرداخته شده است. دوره اول احمدی‌نژاد، مقولات عدالت و انتخابات نمود بیشتری داشته و همچنین سخت‌کوشی و تلاش فراوان و ارتباط با مردم، سفرهای استانی، جهت‌گیری عدالت و مردمی این دولت، که در سخنرانی‌های سال ۸۶ نمود پیدا کرده است، باعث شده از این دولت به‌طور خاص، حمایت کنند. ولی باید خاطر نشان کرد که در دوره اول روحانی به مقولات انتخابات و جوانان بیشتر توجه نموده است.

در دو دوره مختلف به طور خلاصه، گزینه‌های مورد بحث و موضوعات مختلف از اهمیت متفاوتی برخوردار بوده است به طوری که در دوره احمدی‌نژاد، این موضوعات به ترتیب: ۱. سیاست خارجی و روابط خارجی ۲. عدالت اجتماعی ۳. انتخابات ۴. استقلال و عزت ملی ۵. مسائل داخلی و توسعه سیاسی ۶. استفاده از جوانان و ظرفیت داخلی بوده ولی در دوره روحانی: ۱. سیاست خارجی و روابط خارجی ۲. انتخابات ۳. استفاده از جوانان و ظرفیت داخلی ۴. استقلال و عزت ملی ۵. عدالت اجتماعی ۶. مسائل داخلی و توسعه سیاسی می‌باشد. بنابراین، این بیانگر وجود محورهای سخنرانی مشترک، با تفاوت در اولویت‌هاست. سیاست‌های کلی نظام همراه با شعارها و اهداف انقلاب اسلامی (اعم از عدالت، پیشرفت به سبک اسلامی، حمایت از مستضعفین، استکبار ستیزی، استقلال، آزادی) در قالب قانون اساسی ج.ا.ایران نمود پیدا کرد. تمام موارد مورد بحث (عدالت اجتماعی، جوانان، استقلال و عزت ملی، انتخابات، مسائل داخلی و توسعه سیاسی، مسائل خارجی و روابط خارجی) نیز در بیانات رهبری در دوره‌های مدنظر هم در همین راستا و برای نیل به اهداف و شعارهای اولیه انقلاب می‌باشد. بنابراین، الگوی حکمرانی رهبری یکسان و متأثر از نگاه فرایندی و کل‌نگرانه آموزه‌های دینی

بوده است. تفاوت حمایت و انتقاد رهبری در هر موضوع بستگی به میزان پابندی، هماهنگی و نزدیکی برنامه‌ها و عمل دولت‌ها با الگوی حکمرانی اسلامی و انقلابی است. به نظر می‌رسد رهبری به‌عنوان حامی بلامنازع از دولت‌هایی که به‌طور مشخص و صریح، از ارزش‌های انقلاب دفاع و پشتیبانی کرده و درصدد اعتلای هرچه بیشتر شعارها و آرمان‌های انقلاب اسلامی باشند (دوره اول احمدی‌نژاد) عمل کرده‌اند. همین‌طور که از آمارهای به‌دست آمده از سخنان رهبری برآمده، توجهات رهبری در موضوعات مورد بحث این نوشتار در دوره اول احمدی‌نژاد، به‌مراتب بیشتر بوده است. اما این موضوع نشان‌دهنده آن نیست که رهبری در دوران روحانی، به‌عنوان منتقد اساسی ظاهر شده باشد بلکه تنها در تأیید سخنان و رفتار و اعمال احمدی‌نژاد و به‌عنوان یک حامی ظاهر شده‌اند. به‌عبارت‌دیگر، رهبری در دوره احمدی‌نژاد، رهنمودهای خود را براساس هست‌ها انجام می‌دادند به‌طوری‌که در تأیید رفتار و سیاست‌های اصلی این دولت بود ولی در دوره روحانی، براساس بایدها بنا شده بود. که عبارت‌اند از چه سیاست‌هایی را باید در پیش گیرند. این برداشت، الگوی حکمرانی بی‌طرفانه رهبری در مواجهه با شرایط و دوره‌های مختلف را تبیین می‌کند. رهبری در هر دو دوره، با توجه به سیاست‌های متفاوت دولت‌ها و صلاحیت‌های رهبری، در پی آرامش و آسایش مردم، حفظ استقلال و عزت ملی، ایجاد هرچه بیشتر اقتدار و غیرت ملی در سطح جامعه و نظام بین‌الملل، ایجاد اعتلا و تمامیت ارضی کشور بودند و این اهداف در راستای الگوی حکمرانی دینی و اهداف انقلاب اسلامی است.

منابع

- افتخاری، اصغر؛ نه‌ازی، غلامحسین (۱۳۸۹)، «امنیت عمومی در اندیشه و بیانات مقام معظم رهبری»، *دانش‌انتظامی*، دوره ۱۲ (۳): ۷-۴۹.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۷)، *جامعه در قرآن*، قم: اسراء.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷)، *لغت‌نامه*، تهران: دانشگاه تهران.
- رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۹۴)، *تکنیک‌های خاص تحقیق در رشته علوم/اجتماعی*، تهران: شرکت سهامی انتشار.

- زارعی، محمدحسین؛ حسونند، محمد؛ سلمانی سبینی، مرضیه (۱۳۹۶)، «مفهوم حکمرانی تنظیمی»، *جستارهای حقوق عمومی*، سال اول (۱): ۱۲۴-۱۴۷.
- ساوه درودی، مصطفی؛ اسمعیلی، مهدی؛ حیدری، دانیال (۱۳۹۵)، «الگوی تهدیدشناسی از منظر مقام معظم رهبری»، *راهبرد دفاعی*، دوره ۴ (۵۴): ۶۱-۹۱.
- سروستانی، صدیق (۱۳۷۵)، «کاربرد تحلیل محتوا در علوم اجتماعی»، *نامه علوم اجتماعی*، دوره ۸ (۸): ۹۱-۱۱۴.
- شفیعی، احمد؛ برزگر، ابراهیم؛ مرادزاده، علی (۱۳۹۵)، «نقش ولایت و رهبری در ثبات سیاسی جمهوری اسلامی ایران (مطالعه موردی رهبری امام خامنه‌ای)»، *آفاق امنیت*، سال نهم (۳۰).
- غروی‌ان، محسن (۱۳۸۰)، «بررسی وظایف و اختیارات رهبر و رئیس جمهور ایران و مقایسه با وظایف و اختیارات عالی‌ترین مقامات در سه کشور آمریکا، فرانسه و انگلیس»، *مجله معرفت (پرتابل جامع علوم انسانی)*، شماره ۴۳: ۲۵-۳۹.
- فاطمی‌نیا، محمد علی؛ امیرآبادی فراهانی، فاطمه (۱۳۹۸)، «الگوی راهبردی توسعه علم و دانش از نگاه مقام معظم رهبری»، *مجله الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی*، دوره ۷ (۱۳۳): ۹-۳۵.
- کیوی، ریمون و کامپنهود، لوک وان (۱۳۷۹)، *روش تحقیق در علوم اجتماعی*، ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر، تهران: توتیا.
- محمدپور، احمد (۱۳۹۰)، *روش تحقیق کیفی-ضد روش ۲*، تهران: جامعه‌شناسان.
- مشکواتی، مریم و میرشکاری، طیبه (۱۳۹۷)، «واکاوی مدیریت فرهنگی از دیدگاه مقام معظم رهبری»، *رهیافت فرهنگ دینی*، دوره ۱ (۴): ۸۴-۹۴.
- میدری، احمد، خیرخواهان، جعفر (۱۳۸۳)، *حکمرانی خوب، بنیان توسعه*، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی ایران.
- نجفی، موسی (۱۳۹۱)، «نظریه بیداری اسلامی براساس اندیشه سیاسی مقام معظم رهبری»، *مطالعات انقلاب اسلامی*، دوره ۹ (۲۸): ۱۱-۲۶.
- واعظی دهنوی، عباس (۱۳۹۱)، «مبانی سیاست خارجی در اندیشه مقام معظم رهبری»، *جستارهای سیاسی معاصر*، دوره ۳ (۱): ۱۴۱-۱۶۹.
- هاشمی، سید محمد (۱۳۶۶)، *مدیریت سیاسی (از سیاست‌گذاری تا سیاست‌گزاری)*، تهران: ریاست جمهوری.